طراحی الگوی ساختاری رضایت زناشویی مادران دارای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه براساس ادراک مثبت و سازش‌یافتگی با میانجی‌گری بخشایش‌گری مادران

دکتر محمدرضا جهان[۱]، دکتر اکبر محمدی[۲]، دکتر مجید قدمی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۲ تجدیدنظر: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴
پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۵/۶

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی ساختاری رضایت زناشویی مادران دارای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه براساس ادراک مثبت و سازش‌یافتگی با میانجی‌گری بخشایش‌گری مادران انجام شد. **روش:** پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمام مادران دانش‌آموزان پسر با نارسایی‌های رشدی و هوشی شهر سمنان که فرزند آنها در مدارس استثنایی شهر سمنان در سال تحصیلی ۹۷- ۹۸مشغول به تحصیل بودند، تشکیل می‌دهد که از این تعداد ۲۰۰ نفر از دو مدرسه استثنایی دخترانه و پسرانه با روش نمونه‌گیری در دسترس به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های رضایت‌مندی زناشویی انریچ، مقیاس ادراک مثبت ایسکسون و پاینس، پرسشنامه سازگاری اجتماعی بل و سیاههٔ بخشایش‌گری انرایت استفاده شد. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل معادلات ساختاری با نرم‌افزار ایموس استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین رضایت زناشویی با مؤلفه‌های بخشایش‌گری، ادراک مثبت و سازگاری رابطه مثبت معناداری وجود دارد (p<۰/۰۱). همچنین بین مؤلفه‌های بخشایش‌گری با ادراک مثبت و سازگاری نیز رابطه مثبت معنادار وجود دارد (p<۰/۰۱). تنها بین بخشایش‌گری و رضایت زناشویی با مؤلفه سازگاری تندرستی رابطه معناداری به دست نیامد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که الگوی آزمون‌شده از برازش مناسبی برخوردار است. **نتیجه‌گیری:** براساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت بخشش از جمله فرایندهای مهمی است که چه به‌طور مستقیم و چه به‌طور غیرمستقیم از راه افزایش تأثیر مثبت عواملی مانند ادراک مثبت و سازش‌یافتگی سبب افزایش رضایت زناشویی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ادراک مثبت، بخشایش‌گری، رضایت زناشویی، دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، سازش‌یافتگی.

۱. دانشجوی دکتری گروه روانشناسی، واحدگرمسار، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران
۲. **نویسنده مسئول**: استادیار گروه روانشناسی، واحد گرمسار، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران
۳. دانشیار پژوهشگاه مطالعات وزارت آموزش و پرورش، تهران، ایران

Designing a Structural Model of Marital Satisfaction of Mothers with Student with Special Needs Based on Positive Perception and Adapatibility with Mediation of Mothers' Forgiveness

Mohammadrezajahan[1], Ph.D,
Akbar mohammadi[2], Ph.D,
Majid ghadami[3], Ph.D,

Received: 10. 4.2021 Revised: 10.4.2022
Accepted: 07. 28.2022

Abstract

Objective: The aim of this study was to design a structural model of marital satisfaction of mothers with students with special needs based on positive perception and adaptation mediated by mothers' forgiveness. **Method:** The present study is descriptive-correlational. The statistical population of the present study consists of all mothers of male students with developmental and intelligence impairments in Semnan, whose children were studying in special schools in Semnan in the academic year of 1397-98. From this number, 200 people from two exceptional schools for girls and boys were selected as a sample by available sampling method. Enrich Marital Satisfaction Questionnaire, Askson and Paynes Positive Perception Scale, Bell Social Adapatibility Questionnaire and Enright Forgiveness Inventory were used to collect data. Pearson correlation coefficient test and structural equation analysis with Amos software were used to analyze the data. **Results:** The results of correlation test showed that there is a significant positive relationship between marital satisfaction and the components of forgiveness, positive perception and adapatibility (p <0.01). There is also a significant positive relationship between the components of forgiveness with positive perception and adapatibility (p <0.01). Only a significant relationship was not found between forgiveness and marital satisfaction with the component of health adapatibility. The direct effects of positive perception and adaptation on marital satisfaction were positive and significant (p <0.05). Also, the indirect effect of positive perception and adapatibility through the mediating role of forgiveness on marital satisfaction was positive and significant (p <0.05). **Conclusion:** Based on the research findings, it can be said that forgiveness is one of the important processes that both directly and indirectly increase marital satisfaction by increasing the positive effect of factors such as positive perception and adaptation.

Keywords: *Positive Perception, Forgiveness, Marital Satisfaction, Students with Special Needs, Adapatibility.*

1. Ph.D. student, Department of Psychology, Garmsar Branch, Faculty of Psychology, Islamic Azad University, Garmsar, Iran
2. **Corresponding author:** Assistant Professor, Department of Psychology, Garmsar Branch, Faculty of Psychology, Islamic Azad University, Garmsar, Iran
3. Associate Professor of Ministry of Education Research Institute, Tehran, Iran

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-20]

مقدمه

خانواده، نظامی اجتماعی و طبیعی با مجموعه ای از قواعد است که نقش‌هایی را برای اعضای خود طراحی کرده و به آنها نسبت می‌دهد (زهراکار و جعفری، ۱۳۹۳). خانواده‌ها در روند زندگی اغلب با گستره‌ای از وقایع مثبت و در برخی موارد اتفاقات چالش‌انگیز مانند تولد کودک با نیازهای ویژه مواجه می‌شوند که این شرایط کارکرد خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این خانواده‌ها و به‌ویژه مادران انواع مختلفی از واکنش‌های عاطفی و شناختی را تجربه می‌کنند، به‌طوری‌که این واکنش‌ها می‌تواند در دامنه‌ای از طرد کامل تا پذیرش کامل، از خشم زیاد تا عشق، از غفلت تا مراقبت بیش از حد در نوسان باشد (گوپتا و کایور،۲۰۱۰). والدین این کودکان شرایط روانشناختی مساعدی ندارند و در مقایسه با والدین کودکان عادی، سطح بالایی از تنش و مشکلات سلامت روان را تجربه می‌کنند. وجود واکنش‌های موردنظر در کنار تنش‌های ناشی از فرزندپروری و مدیریت رفتارهای چالش انگیز کودکان کم‌توان ذهنی احساس همبستگی و ارتباط خانواده و درنتیجه رضایت‌مندی زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (وینگ کی و جانی، ۲۰۱۴ ؛ بوستوک و همکاران، ۲۰۱۹). برقراری ارتباط مؤثر با طرف مقابل، عصبانیت‌نداشتن، حفظ استقلال فردی زن و مرد ضمن مشارکت با هم، ارزش قائل‌شدن به خواسته‌ها و علاقه‌های همسر، همراهی و همدلی، داشتن اهداف و آرمان مشترک، قبول سختی‌ها و آمادگی برای مواجهه با مشکلات زندگی و کنار هم‌بودن در روزهای خوشی و سختی و تأکید و توجه بر نکته‌های مثبت شخصیت همسر، ابراز دوستی و اهمیت‌دادن به یکدیگر را از عوامل استمرار زندگی مشترک و رضایت زن و مرد دانسته‌اند (هابر، ناوارو، ومبل و مامو،۲۰۱۰؛ بروان و مک کان، ۲۰۱۸). یافته‌های پژوهشی متناقضی در مورد تأثیر کودکان کم‌توان ذهنی بر رضایت‌مندی زناشویی وجود دارد. در برخی از پژوهش‌ها داشتن کودک کم‌توان ذهنی تأثیری در کیفیت رضایت‌مندی زناشویی در مقایسه با والدین کودکان عادی ندارد (هارتلی، بارکر، سیلتز، گرینبرگ و فلوید،۲۰۱۱) درحالی‌که در برخی از پژوهش‌ها نشان داده شده است که کیفیت رضایت‌مندی در والدینی که کودک کم‌توان ذهنی دارند، پایین‌تر است (هالاهان، کافمن و پولین، ۲۰۱۱). خانواده‌های کودکان با نیازهای ویژه به‌خصوص مادران دارای کودکان کم‌توان ذهنی با میزان بالایی از تنش، افسردگی، احساس گناه و شرم، اضطراب، خشم، مقصردانستن خود و دیگران مواجه هستند (به‌پژوه، میرزایی، عبدالهی، ۱۳۹۹) مجموعه این عوامل سلامت روان و رضایت‌مندی زناشویی و رابطه کودک با والدین را تحت تأثیر قرار می‌دهد (هالاهان، کافمن و پولین، ۲۰۱۱).

یکی ازپیش‌بینی‌کننده‌های رضایت زناشویی در مادران دارای کودک با نیازهای ویژه، ادراک والدین[1] از موقعیت، خوش‌بینی و یافتن مزایایی در موقعیت بحرانی پیش‌آمده می‌باشد که قادر است روابط زناشویی را به نفعِ والدینی به طریقهٔ مثبت در والدین با کودک ناتوانی تغییر دهد (گوردن و بوکام، ۲۰۰۹؛ ایکاس، تایمونس، پروییت، گیلین و الساندری، ۲۰۱۵؛ جونز و همکاران، ۲۰۱۸) این مطالعه‌ها نشان دادند افرادی که سطوح بالایی از عاطفهٔ مثبت گزارش می‌کنند، از رضایت زناشویی بالاتری نیز برخوردارند. آساد، دونلان و کنگر (۲۰۰۷) دریافتند که خوش‌بینی قادر است رضایت افراد از رابطهٔ رمانتیک بین زوجین را طی یک دورهٔ دوساله پیش‌بینی کند. برخورداری از ادراک مثبت نسبت به خود و توانایی‌های خود، از صفات پیش‌بینی‌کنندهٔ بهزیستی روانی (ایسکسن و پاینس، ۲۰۱۳) و مفهومی مشتق از روانشناسی مثبت‌نگر است که به خوشبینی فرد نسبت به گذشته، حال و آینده اشاره دارد (سلیگمن و سیکزنتمهالی، ۲۰۰۰). کارور، شیر و سگرستورم (۲۰۱۰). افرادی که رویکرد خوش‌بینانه به زندگی دارند، کمتر در معرض اختلال افسردگی قرار می‌گیرند و در مواجهه با دشواری‌های زندگی مشترک مقاومت و تاب‌آوری بیشتری از خود نشان می‌دهند و

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-20]

در پیگیری اهداف خود موفق‌تر هستند. داشتن ادراک مثبت در مادران با کودک دارای ناتوانی، منبع غنی شادکامی، بلوغ شخصی، قدرت و نزدیکی بین اعضای خانواده است که به شکل معناداری با رضایت زناشویی، حمایت خانواده و دوستان مرتبط است (هاستینگز، بک و هیل، ۲۰۰۵).

یافته‌های ناعمی (۱۳۹۷) حاکی از اثرهای تفکر مثبت بر مهارت درک، تشخیص و ابراز هیجانی در مادرانی است که با نیازهای ویژهٔ فرزند خود مواجه‌اند، اما راک، ایکاس و ویتمن (۲۰۱۱) مادرانی که نگرش مثبتی نسبت به فرزندشان دارند، سازگاری بیشتری در روابط میان فردی نشان می‌دهند. با وجود پژوهش‌های محدودی که با هدف بررسی نقش ادراک مثبت در رضایت زناشویی مادران دارای فرزند ناتوان انجام شده است، به نظر می‌رسد داشتن ادراک مثبت نسبت به خود و توانایی‌های خود، موجب به‌کارگیری راهبردهای مقابله‌ای مثبت در مواجهه با چالش‌های مراقبت از این فرزندان می‌شود. تصورات مثبت نسبت به خود به‌طور مستقیم با میزان دریافت حمایت‌های عاطفی از همسر رابطه دارد (ولن، آنتونیو، هارتونگ و رنر، ۲۰۱۱) افراد دارای رویکرد خوشبینانه، مهارت‌های حل مسئله سازنده‌ای را زمان مواجهه با تعارض‌های زناشویی به کار می‌گیرند که این امر به رضایت زناشویی بیشتر در آنها منتهی می‌شود (نف و گیرز، ۲۰۱۳). نف و گیرز (۲۰۱۳) در مقایسه زوجینی که از خوش‌بینی بالاتری برخوردار بودند، دریافتند نه تنها افراد خوش‌بین بلکه شریک زندگی آنها نیز از سطح رضایت زناشویی بالاتری برخوردارند و این رابطه به واسطه حمایت ادراک‌شده از طرف همسرشان میانجی‌گری می‌شد (آساد و همکاران، ۲۰۰۷). پژوهشگران نشان دادند که خوش‌بینی و نگرش مثبت افراد نسبت بهجهان پیرامون شان قادر است رضایت از رابطهٔ زناشویی را در زنان پیش‌بینی کند. زوجین بدبین با رفتارهای مخرب و زوجین خوش‌بین با انجام رفتارهای نگهدارنده و داشتن انتظارهای مثبت، پیامدهای مثبتی را در روابط با همسر برای خود ایجاد می‌کنند (هنری، برگ، اسمی و فلوریشم، ۲۰۰۷، مکنولتی و کارنی، ۲۰۰۴).

یکی از ابعاد رضایت زناشویی، میزان سازگاری یا سازش‌یافتگی[2] است (گریف،۲۰۰۰). سازش‌یافتگی یکی از ابعاد اجتماعی‌شدن است و برخی صاحبنظران آن را مترادف با مهارت اجتماعی می‌دانند (اسلاموسکی و دان، ۲۰۱۱). گارمزی (۲۰۱۱) سازش‌یافتگی را یک فرایند توانایی سازگاری موفقیت‌آمیز با شرایط تهدیدکننده و استرس‌زا تعریف کرده‌اند. در روابط زناشویی زوجین سازگار، زن و شوهرهایی هستند که توافق زیادی با یکدیگر دارند و از نوع و سطح روابطشان راضی هستند (نف و برودی، ۲۰۱۱). پژوهشگران دریافتند زوجین به سازش‌یافتگی در برابر حوادث استرس‌زای منفی، اما کنترل‌پذیر زندگی نیاز دارند تا به‌خوبی از رضایت زناشویی خود حفاظت کنند. عدم سازش‌یافتگی نه تنها بر کنش‌های روانی اجتماعی زن و شوهر بلکه بر رشد و تحول فرزندان دارای نیازهای ویژه نیز اثرهای سوء به جای می‌گذارد. در پژوهش دوین، هالبین، فای هوگیوس، آمارو و هولمبک (۲۰۱۱) مشخص شد که مادران دارای فرزند با کم‌توانی ذهنی در مقایسه با مادران دارای فرزند عادی از نظر سازگاری اجتماعی به‌طور معناداری در سطح پایین‌تری قرار دارند و همین مسئله عملکرد اجتماعی مادران را دچار اختلال می‌کندکه خود می‌تواند میزان رضایت‌مندی زناشویی را در زوجین کاهش دهد. سازش‌یافتگی می‌تواند کارکردهای روانی اعضای خانواده را در قالب تفکر، خلق و رفتار بهبود بخشد و توان مقابله با مشکلات هیجانی و روان‌شناختی را افزایش دهد و از این راه باعث ارتقای رضایت زناشویی در زوجین شود.

یکی دیگر از عوامل مهم و قابل توجه در رضایت زناشویی، به‌خصوص در خانواده‌های دارای کودکان با نیازهای ویژه، مفهوم بخشایشگری [3]است. (دونز و کاپ، ۲۰۲۱؛ آگو و وانکو، ۲۰۱۹). گومس و کیسلاک (۲۰۱۹) بخشایش‌گری را به‌عنوان رهایی عمدی از رنج ناشی از بی‌عدالتی قابل ملاحظه فرد خطاکار و

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-20]

پاسخ خیرخواهانه به وی دانسته‌اند، اگرچه که فرد خطاکار شایسته بخشیده‌شدن نباشد. در این دیدگاه، بخشایش‌گری اقدام و انتخابی آزادانه از سوی شخص رنجیده‌خاطر است؛ به عبارتی بخشایش‌گری فرایند تعمدی و داوطلبانه‌ای است که به‌واسطهٔ تصمیم اختیاری که برای بخشیدن انجام می‌شود، اتفاق می‌افتد (ورثینگتون، وایت ولیت، پیترینی و میلر، ۲۰۰۷). درنتیجه این فرایند، هیجان‌های منفی فرد کاهش پیدا می‌کند و انگیزه وی برای فعالیت‌های تلافی‌جویانه از بین می‌رود (تویسنت و وب، ۲۰۱۵). شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد بخشایش‌گری با کاهش هیجان‌های منفی باعث بهبود روابط بین فردی می‌شود و منجر به سلامت جسمانی و ارتقای سلامت روان، کاهش پرخاشگری، کاهش علایم افسردگی، حل تعارض‌های زوجین و ارتقای رضایت‌مندی زناشویی می‌شود (تویسنت و وب، ۲۰۱۵؛ نعمتی، میرنسب و غباری، ۲۰۱۶). دونز و کاپ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای که با هدف بررسی خودشفقت و بخشش به‌عنوان پیش‌بینی‌کنندگان اصلی رضایت زناشویی در زوج‌های جوان انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که بخشش رضایت زناشویی را در مردان پیش‌بینی می‌کرد. دلسوزی در درجه اول و بخشش تا حدی کمتر می‌تواند رضایت زناشویی را در کل نمونه‌ها پیش‌بینی کند.

با توجه شیوع بالای مشکلات سلامت روان و کمبود رضایت‌مندی زناشویی در مادران کودک کم‌توان ذهنی بهره‌مندی این افراد از کیفیت زندگی مطلوب امری ضروری می‌باشد. بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه رضایت زناشویی نشان می‌دهد بخشایش‌گری نقش مهمی را در حوزهٔ سلامت روان، تعامل‌های زناشویی و رضایت زناشویی ایفا می‌کند (برای مثال اولانتیکالکروس و وانستینوگان، ۲۰۱۶). ازاین‌رو با توجه به نقش بخشایش‌گری در رابطه زناشویی، هدف از انجام پژوهش حاضر طراحی الگوی ساختاری رضایت زناشویی مادران دارای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه براساس ادراک مثبت و سازش‌یافتگی با میانجی‌گری بخشایش‌گری مادران می‌باشد.

روش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت توصیفی (همبستگی) و پیمایشی و از نظر هدف بنیادین است. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمام مادران دانش‌آموزان پسر با نارسایی‌های رشدی و هوشی شهر سمنان که فرزند آنها در مدارس استثنایی شهر سمنان در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ مشغول به تحصیل بودند، تشکیل می‌دهد. از آنجا که در مورد حجم نمونه برای مدل ساختاری توافق کلی وجود ندارد، حداقل ۲۰۰ نمونه توصیه شده است (حبیبی و عدن‌ور، ۱۳۹۶). به این منظور تعداد ۲۰۰ نفر از مادران دانش‌آموزان دو مدرسه استثنایی دخترانه و پسرانه مقطع ابتدایی شهر سمنان به‌صورت در دسترس انتخاب شدند. ملاک‌های ورود اصلی برای انتخاب این مادران داشتن فرزند با نارسایی‌های رشدی و هوشی خفیف و داوطلب‌بودن آنان برای شرکت در پژوهش، داشتن تحصیلات دیپلم و بالاتر و دامنه سنی بین ۲۰ تا ۴۵ سال بود. به تمام افراد شرکت‌کننده هدف پژوهش به اختصار توضیح داده شد و بی‌نام و نشان ماندن آنان در تمام منابع و مقاله‌هایی که از پژوهش استخراج می‌شود، تضمین شد. در ضمن به هرکدام از افراد شرکت‌کننده توضیح داده شد که شرکت در این پژوهش پیامد ناگوار روانی و عاطفی برای آنان نخواهد داشت. مادران پس از بیان مسائل اخلاقی و اطمینان پیداکردن، به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل معادله‌های ساختاری انجام شد. ابزارهای مورد استفاده‌شده در پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. پرسشنامه رضایت‌مندی زناشویی انریچ: ابزاری است که توسط اولسون (۱۹۸۹) تدوین شده است. این ابزار مقیاسی ۳۵ ماده‌ای از نوع لیکرت پنج درجه‌ای (۱=کاملاً مخالفم، ۵=کاملاً موافقم) و متشکل از چهار مؤلفه رضایت زناشویی، ارتباط‌ها، حل تعارض و تحریف آرمانی است. اعتبار آزمون به روش همسانی درونی (آلفای کرانباخ) برای خرده‌مقیاس‌های رضایت

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-20]

زناشویی، ارتباطها، حل تعارض و تحریف آرمانی به‌ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۰، ۰/۸۴، ۰/۸۳و اعتبار بازآزمایی پرسشنامه برای هریک از خرده‌مقیاس‌های آن به‌ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۱، ۰/۹۰، ۰/۹۲ گزارش شده است. در ایران ضریب همبستگی درونی هریک از خرده‌مقیاس‌های رضایت زناشویی، ارتباطها، حل تعارض و تحریف آرمانی به‌تربیت ۰/۶۸، ۰/۷۸، ۰/۶۲، ۰/۷۸ گزارش شده است (آسوده و همکاران، ۱۳۸۷). همچنین رضوان فرقانی (۱۳۸۲) پایایی این پرسشنامه را ۰/۸۶ ذکر کرده است. در این پژوهش نیز پایایی با روش آلفای کرانباخ ۰/۸۴ به دست آمد.

۲. مقیاس ادراک مثبت: این مقیاس خودگزارشی در ۸ گویه و سه خرده‌مقیاس شامل ادراک مثبت نسبت به خود در گذشته، ادراک مثبت به توانایی‌های خود و ادراک مثبت به طبیعت انسان با هدف ارزیابی ادراک مثبت از خود ساخته شد (۳۲). همه گویه‌ها به‌صورت مستقیم و در طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از ۱(کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. دامنهٔ نمرات از ۸ تا ۵۶ است. نمره‌های بالاتر نشان دهندهٔ ادراک مثبت نسبت به خود است. پایایی خرده‌مقیاس‌ها و کل مقیاس به‌وسیله سازندگان آن بین ۰/۷۹ تا۰/۹گزارش شده است. در مطالعه موسوی (۱۳۹۷) روایی همگرای مقیاس با مقیاس‌های خوش‌بینی ۰/۵۴ خودکارآمدی ۰/۵۸و عزت نفس ۰/۴۶به دست آمد.

۳.پرسشنامه سازگاری اجتماعی: این پرسشنامه در سال ۱۹۶۱ توسط بل تدوین شد. بل در زمینه سازگاری دو پرسشنامه طراحی کرده است که یکی مربوط به دانش‌آموزان و دانشجویان و دیگری مربوط به بزرگسالان است. پرسشنامه سازگاری اجتماعی بل ۱۶۰گویه و پنج خرده‌مقیاس (سازگاری در خانه، سازگاری شغلی، سازگاری تندرستی، سازگاری عاطفی و سازگاری اجتماعی) دارد. هر خرده‌مقیاس ۳۲ پرسش را به خود اختصاص داده است. پاسخگویی به سؤال‌ها به‌صورت بله، خیر و نمی‌دانم است. نمره‌گذاری هر سؤال براساس جدول هنجارشده انجام می‌شود. در این آزمون تنها پاسخ بله یا خیر، امتیاز دریافت می‌کنند. به گزینه‌های انتخابی عدد صفر یا یک تعلق می‌گیرد. نمره سازگاری فرد برابر با مجموع امتیازهایی است که از تمام سؤال‌ها به دست آمده است. در پژوهش حاضر از خرده‌مقیاس ۱۵ سؤالی سازگاری اجتماعی استفاده شد که بل (۱۹۶۲) ضریب اعتبار را برای خرده‌مقیاس‌های آن (سازگاری در خانه، سازگاری تندرستی، سازگاری اجتماعی، سازگاری عاطفی، سازگاری شغلی و برای کل آزمون) به‌ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۱، ۰/۸۸، ۰/۹۱، ۰/۸۵ و ۰/۹۴ گزارش کرده است. همچنین این آزمون روایی بالایی در تشخیص گروه‌های بهنجار از نوروتیک و همبستگی با آزمون‌های شخصیت آیسنگ نشان داده است (فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸). این پرسشنامه بعد از ترجمه و ویرایش روی ۲۰۰ نفر به‌صورت تصادفی اجرا و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ محاسبه شده است. ضریب آلفای آن معادل ۰/۸۹به دست آمد (فتحی آشتیانی و داستانی، ۱۳۹۲).

۴. سیاههٔ بخشایش‌گری انرایت: ابزاری است که رابرت انرایت (۱۹۹۱) آن را در دانشگاه ویسکانسین و با نام سیاههٔ بخشایش‌گری انرایت برای سنجش بخشایش‌گری بین فردی تهیه کرده است. پژوهش‌های تجربی نشان داده‌اند که این آزمون با عصبانیت رابطهٔ منفی و با امیدواری رابطهٔ مثبت داشته است (کویل و انرایت، ۱۹۹۷). این آزمون متشکل از ۶۰ گزاره است که ۲۰ گزارهٔ آن در بعد شناختی، ۲۰ گزاره در حیطهٔ عاطفی و ۲۰ گزاره در حیطهٔ رفتاری است. همبستگی بین ابعاد مختلف این آزمون بین ۰/۸۰ تا۰/۸۷گزارش شده است و این نشان می‌دهد که هر سه بعد بخشایش‌گری یک سازه را می‌سنجند و می‌توان نمره‌های هر سه مقیاس را با هم جمع کرد. بعد عاطفی این آزمون با سؤال ملاک در آخر سیاهه ۰/۶۸ و با بعد رفتاری ۰/۶۴ و با بعد شناختی ۶۰ /۰ برآورد شده است. همبستگی کل آزمون نیز با سؤال ملاک در حدود ۰/۶۸گزارش شده است. پژوهش‌های انرایت و همکارانش (۱۹۹۱) نشان

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-20]

داد که همبستگی منفی و معنادار۰/۴۳ بین مقیاس افسردگی بک و مقیاس سنجش روابط انسانی انرایت وجود دارد. همبستگی منفی معنادار بین این آزمون و مقیاس اضطراب اشپیلبرگر نیز به دست آمده است. ضریب آلفای کرونباخ که نشان‌دهندهٔ همسانی درونی سؤال‌های آزمون بود، برابر با ۰/۹۷ برآورد شد. این آزمون را غباری، نصفت، خدایاری و شکوهی یکتا (۱۳۸۲) با نام مقیاس سنجش روابط انسانی به زبان فارسی برگردانده‌اند و قابلیت اعتماد و روایی آن برآورد شده است. همبستگی سه بعد عاطفی، رفتاری و شناختی با سؤال ملاک بخشایش‌گری به‌ترتیب ۰/۶۳، ۰/۵۶و ۰/۵۴ برآورد شده است که همگی در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنادار بوده‌اند.

یافته‌ها

به‌منظور بررسی پیش‌فرض‌ها نرمال‌بودن داده‌ها بررسی شده‌اند. دامنه شاخصه‌های کجی بین ۰/۴۷- و ۱/۲۲ و دامنه کشیدگی بین ۰/۱۲- و ۱/۸۲ قرار دارد. مقادیری که در دامنه ۲+ و ۲- برای کجی و ۳+ تا ۳- برای کشیدگی قرار دارند، نشان از برآورده‌شدن نرمالیته در داده‌ها هستند.

پیش از انجام آزمون فرضیه‌ها، آزمون نرمال‌بودن توزیع داده‌ها انجام شد. به این منظور از آزمون کولموگروف- اسمیرنوف[4] برای تشخیص نوع توزیع داده‌ها استفاده شده است. آماره Z آزمون کالموگروف – اسمیرنف۰/۲۳ تا۱/۵۳می‌باشد. سطح معناداری آماره محاسبه‌شده برای متغیرها نیز بین ۰/۰۹ تا ۰/۷۸ می‌باشد که این مقادیر بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض نرمال‌بودن توزیع نمره‌ها پذیرفته می‌شود (جدول ۱).

جدول ۱ ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
رضایت زناشویی	۱										
شناختی	۰/۴۳**	۱									
عاطفی	۰/۴۱**	۰/۲۸**	۱								
رفتاری	۰/۵۳**	۰/۱۸*	/۴۹**	۱							
ادراک مثبت به خود	۰/۲۹**	۰/۳۵**	۰/۱۵**	۰/۲۳**	۱						
ادراک مثبت به توانایی‌ها	۰/۵۶**	۰/۲۰**	۰/۵۷**	۰/۵۵**	۰/۳۷**	۱					
ادراک مثبت به انسان	۰/۴۱**	۰/۱۵**	۰/۴۶**	۰/۴۲**	۰/۲۷**	۰/۴۱**	۱				
سازگاری اجتماعی	۰/۲۴**	۰/۲۲**	۰/۱۷**	۰/۲۱**	۰/۱۶**	۰/۱۵**	۰/۱۹**	۱			
سازگاری تندرستی	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۲۱**	۰/۱۱*	۰/۲۲**	۰/۱۴**	۰/۲۴**	۰/۲۳**	۱		
سازگاری درخانه	۰/۲۸**	۰/۱۵*	۰/۵۸**	۰/۱۸**	۰/۲۹**	۰/۵۱**	۰/۰۶	۰/۱۴**	۰/۱۸**	۱	
سازگاری عاطفی	۰/۳۲**	۰/۴۲**	۰/۳۱**	۰/۲۷**	۰/۴۴**	۰/۰۹	۰/۱۷*	۰/۱۹**	۰/۱۵**	۰/۴۹**	۱

* معناداری در سطح ۰/۰۵ **معناداری در سطح ۰/۰۱

در جدول ۱ نتایج همبستگی بین متغیرهای پژوهش نشان داده شده است. براساس نتایج به‌دست‌آمده ضرایب همبستگی بین رضایت زناشویی با مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری بخشایش‌گری مثبت و معنادار می‌باشد (p<۰/۰۱). براساس نتایج به‌دست‌آمده ضرایب همبستگی بین رضایت زناشویی با ادراک مثبت نسبت به خود، ادراک مثبت به توانایی‌های خود و ادراک مثبت به طبیعت انسان مثبت و معنادار می‌باشد (p<۰/۰۱). همبستگی بین رضایت زناشویی با سازگاری اجتماعی، سازگاری در خانه، سازگاری عاطفی مثبت و معنادار می‌باشد (p<۰/۰۱). همبستگی بین رضایت زناشویی با سازگاری اجتماعی، سازگاری در خانه، سازگاری عاطفی مثبت و معنادار می‌باشد (p<۰/۰۱). اما بین رضایت زناشویی با سازگاری تندرسی رابطه معناداری به دست نیامد (p>۰/۰۱). بین بخشایش‌گری با

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-20]

سازگاری اجتماعی، سازگاری در خانه و سازگاری عاطفی رابطه مثبت و معنادار می‌باشد (p>۰/۰۱). اما بین بخشایش‌گری با سازگاری تندرستی رابطه معناداری به دست نیامد (p>۰/۰۱).

قبل از تحلیل داده‌های مربوط به فرضیه‌ها، برای اطمینان از اینکه داده‌های این پژوهش مفروضه‌های زیربنایی مدل معادلات ساختاری را برآورد می‌کنند، به بررسی آنها پرداخته شد. یکی از این مفروضه‌ها بررسی داده‌های پرت می‌باشد. برای بررسی داده‌های پرت چندمتغیری، فاصله ماهالانوبیس برای متغیرهای پیش‌بین محاسبه شد. اگر بیشترین فاصله ماهالانوبیس، بزرگ‌تر از ارزش خی دو بحرانی با درجه‌های آزادی معین (تعداد متغیرهای پیش‌بین) در سطح ۰/۰۰۱ باشد، مشکل داده‌های پرت چندمتغیری وجود دارد. کمترین و بیشترین مقدار فاصله ماهالانوبیس در پژوهش حاضر به‌ترتیب ۰/۰۴ و ۷/۱۲ به دست آمده‌اند. با توجه به اینکه مجذور خی جدول با درجه آزادی ۳ (تعداد متغیرهای پیش‌بین در سطح ۰/۰۰۱) برابر با ۱۶/۲۶۶ است و از طرفی چون بیشترین مقدار فاصله ماهالانوبیس (۷/۱۲)، کوچک‌تر از مجذور خی جدول (۱۶/۲۶۶) است، ازاین‌رو وجود هیچ داده پرتی مشاهده نمی‌شود. به منظور بررسی مدل علی، از روش تحلیل معادلات ساختاری استفاده شد. در این قسمت، الگوی مفهومی پیشنهادشده از راه مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش بیشینه احتمال آزمون شد. برای بررسی برازش الگو، از شاخص‌های برازشی که گیفن، استروپ وبودریو (۲۰۰۰) پیشنهاده کرده‌اند، استفاده شد. این شاخص‌ها شامل موارد زیر است: شاخص نسبت مجذور کای بر درجه آزادی (۲χ/df) که مقادیر ۱تا ۵ قابل پذیرش است که در پژوهش حاضر عدد ۰۷۴ به دست آمد و به معنای برازش مدل با داده‌هاست. خطای ریشه مجذور میانگین تقریبی (RMSEA) برابر ۰/۰۷۶ و ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده (SRMR) برابر با ۰/۰۴۷است که از میزان ملاک (۰/۰۸) کوچک‌تر است. درنتیجه برازش مدل را تأیید می‌کند. درنهایت شاخص‌های IFI، CFI ، GFIو NFI نیز از ملاک موردنظر (۰/۹) بزرگ‌تر هستند. درمجموع و با درنظرگرفتن مجموع شاخص‌های برازش محاسبه‌شده، برازش مدل ساختاری رضایت زناشویی براساس ادراک مثبت و سازش‌یافتگی با میانجی‌گری بخشایش‌گری در مادران دارای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه تأیید می‌شود (شکل ۱).

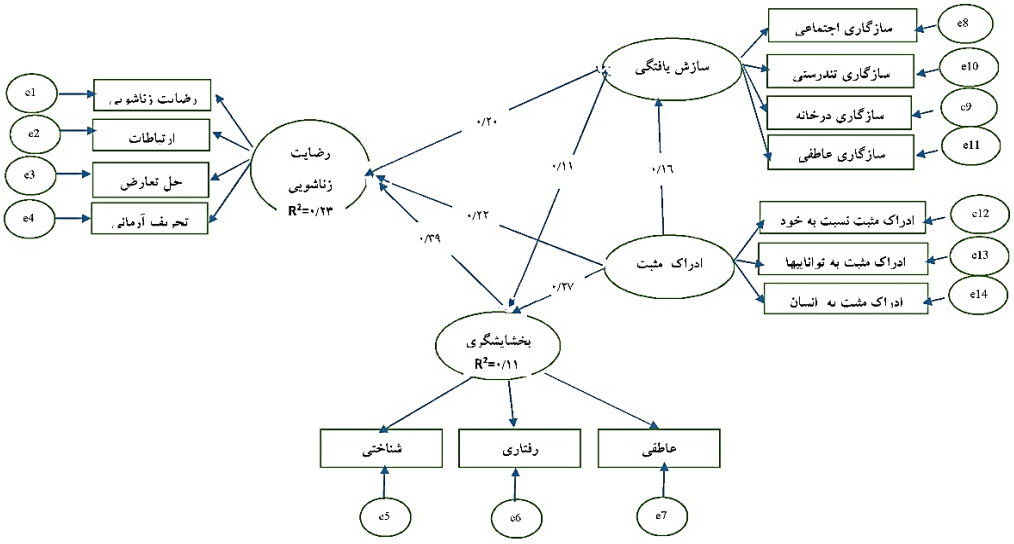

شکل ۱ مسیرهای مدل برازش‌یافته با ضرایب استاندارد

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-20]

در شکل ۱ ضرایب استاندارد مدل پیشنهادی مربوط به رضایت زناشویی براساس ادراک مثبت و سازش‌یافتگی با میانجی‌گری بخشایش‌گری در مادران دارای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه نشان داده شده است. ضرایب استاندارد (وزن‌های رگرسیونی استانداردشده) هرکدام از متغیرهای بخشایش‌گری، سازش‌یافتگی و ادراک مثبت در سطح آلفای ۰/۰۵ از نظر آماری معنادار می باشند که این به آن معنا است که هرکدام ازاین متغیرها سهم معنادار و یگانه‌ای در پیش‌بینی رضایت زناشویی دارند.

جدول ۲ ضرایب استانداردشده مستقیم، غیرمستقیم و کل به همراه ضریب تبیین مربوط به هر متغیر درون‌زاد

مسیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	ضریب تعیین
بر رضایت زناشویی از				۰/۲۳
بخشایش‌گری	۰/۳۹**	-	۰/۳۹	
ادراک مثبت	۰/۲۲**	۰/۱۰*	۰/۳۲	
سازش‌یافتگی	۰/۲۰**	۰/۱۷**	۰/۳۷	
بر بخشایش‌گری از راه				
ادراک مثبت	۰/۲۷**	-	۰/۲۷**	۰/۱۱
سازش‌یافتگی	۰/۱۱*	-	۰/۱۱*	

در جدول ۲ ضرایب استانداردشده مستقیم، غیرمستقیم و کل به همراه ضریب تبیین مربوط به هر متغیر درون‌زاد آورده شده است.

اثر مستقیم بخشایش‌گری بر رضایت زناشویی (۰/۳۹) می‌باشد که در سطح ۰/۰۱ مثبت و معنادار می‌باشد. اثر مستقیم ادراک مثبت بر رضایت زناشویی (۰/۲۲) است که در سطح ۰/۰۱ مثبت و معنادار می‌باشد. اثر مستقیم سازش‌یافتگی بر رضایت زناشویی (۰/۲۰) می‌باشد که در سطح ۰/۰۱ مثبت و معنادار است.

یکی از ویژگی‌های روش مدل‌یابی معادله‌های ساختاری، برآورد آثار غیرمستقیم متغیرها بر یکدیگر است. این ویژگی به پژوهشگران این امکان را می‌دهد تا نقش میانجی متغیرها را در مدل بررسی کنند. براساس نتایج به‌دست‌آمده آثار غیرمستقیم ادراک مثبت و سازش‌یافتگی بر رضایت زناشویی با میانجی‌گری بخشایش‌گری در جدول ۲ مشاهده می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود، آثار غیرمستقیم ادراک مثبت بر رضایت زناشویی با میانجی‌گری بخشایش‌گری (۰/۲۷)، در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است. آثار غیرمستقیم مربوط به سازش‌یافتگی بر رضایت زناشویی از راه نقش واسطه‌ای بخشایش‌گری (۰/۱۱) در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار است.

یکی دیگر از ویژگی‌های مدل‌یابی معادله‌های ساختاری، محاسبه آثار کل است که مجموع برآورد آثار مستقیم و غیرمستقیم می‌باشد. با توجه به جدول ۲ اثر کل ادراک مثبت (۰/۳۲) می‌باشد که در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است. همچنین اثر کل سازش‌یافتگی (۰/۳۷) است که در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار می‌باشد.

از دیگر ویژگی‌های روش مدل‌یابی معادلات ساختاری مقایسه آثار کل متغیرها بر یکدیگر، مقایسه آثار مستقیم با غیرمستقیم و همچنین اندازه‌گیری میزان واریانس تبیین‌شده هرکدام از متغیرهای درونزا به‌وسیله مدل است. با توجه به جدول ۲،

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-20]

بخشایش‌گری، ادراک مثبت و سازش‌یافتگی ۲۳ درصد از تغییرات رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند. ادراک مثبت و سازش‌یافتگی ۱۱درصد از تغییرات رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی ساختاری رضایت زناشویی مادران دارای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه براساس ادراک مثبت و سازش‌یافتگی با میانجی‌گری بخشایش‌گری مادران انجام شد. نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین رضایت زناشویی با هر سه مؤلفه بخشایش‌گری شامل ابعاد عاطفی، رفتاری و شناختی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. این یافته‌ها یا یافته‌های پژوهش‌های زندی‌پور،آزادی و ناهیدپور (۱۳۹۰)، ورثینگتون، وایت ولیت، پیترینی و میلر (۲۰۰۷)، نعمتی، میرنسب و غباری (۲۰۱۶)، اسکوریجی و سویسی (۲۰۱۰)، فهیم دانش، نوفرستی و توکل (۲۰۲۰) و آگو و وانکو (۲۰۱۹)هماهنگ می‌باشد.شواهد تجربی زیادی از آثار مثبت مهارت بخشایش‌گری در روابط انسانی و تعامل‌های بین فردی از جمله روابط زوجین دارد. بخشایش‌گری با کاهش هیجان‌های منفی بین افراد باعث بهبود روابط بین‌فردی شده و منجر به سلامت فیزیکی و ارتقای سلامت روانی می‌شود. از سویی بخشایش‌گری باعث کاهش پرخاشگری، کاهش علایم افسردگی، ارتقای رضایت زناشویی و حل تعارض‌های بین زوجین می‌شود (تویسنت و وب، ۲۰۱۵). به‌ندرت اتفاق می‌افتد که زوجین در فرایند زندگی مشترک خود دچار خطا نشده و از لحاظ احساسی و رفتاری همدیگر را رنجانده نباشند. آنچه که قابل ملاحظه بوده این است که وقتی خطاهای بین‌فردی بین زوجین رخ می‌دهد، احساسات منفی از قبیل خشم، اندوه و دوری‌گزینی به صورت قوی برانگیخته می‌شوند و این احساسات منفی به‌صورت پنهانی می‌توانند روابط زوجین را تحت تأثیر قرار دهند. در این راستا به صورت تأمل‌برانگیزی زوجین گزارش می‌کنند که تلاش برای جستجوی بخشش همدیگر یا توانایی گذشتن از خطاهای زندگی، یکی از مهم‌ترین عواملی است که به دوام بیشتر زندگی مشترک و رضایت زوجین کمک می‌کند. تولد کودک با نارسایی‌های رشدی و هوشی (با توجه به ماهیت چالش‌برانگیز خود)کانون خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما شواهدی نیز وجود دارد که وجود کودک دارای نارسایی‌های تحولی به‌واسطه تجربه جدید، پیوند و حس انسان‌دوستی (که فرزندان عادی از کمک به خواهر و برادر معلول خود به دست می‌آورند) باعث رشد شخصی و معنوی اعضای خانواده شده و رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (اسکوریجی و سویسی،۲۰۱۰). در زمینه نتیجه‌گیری پژوهش حاضر می‌توان گفت که داشتن ویژگی‌های بخشایش‌گری می‌تواند به افراد از جمله مادران دارای فرزند با نیازهای ویژه در گذشتن از خطاهای بین‌فردی کمک کرده و با کاهش احساسات منفی از قبیل خشم، اندوه، دوری‌گزینی و تعامل مثبت با دیگران و نیز همسر خود رضایت زناشویی را به نوعی فراهم کند.

براساس نتایج به‌دست‌آمده بین رضایت زناشویی با مؤلفه‌های ادراک مثبت رابطه مثبت معناداری وجود دارد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های ناعمی (۱۳۹۷)، نف و برودی (۲۰۱۱) و دوین، هالبین، فای هوگیوس، آمارو (۲۰۱۰) منطبق می‌باشد. در تفسیر این یافته می‌توان گفت داشتن ادراک مثبت در مادران با کودک دارای ناتوانی می‌تواند سرمایه‌ای روانی برای ایجاد روابط به نسبت شاد، حمایت‌آمیز و نزدیکی بین اعضای خانواده قلمداد شده و برانگیزانندۀ حمایت‌های عاطفی دوستان و خانواده باشد. مطالعه‌ها نشان می‌دهد ادراک مثبت به خود و توانایی‌های خود، موجب اتخاذ رویکردی در فرد می‌شود که طی آن فرد در پی به‌دست‌آوردن مزایایی از هر موقعیت و برخورد موفقیت‌آمیز با آن موقعیت شده و چه بسا در شرایط استرس و آسیب‌زا برخورداری از این ویژگی اهمیتی

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-20]

ویژه‌ای پیدا می‌کند. افرادی که نمره‌های بالایی در این ویژگی کسب می‌کنند، افسردگی کمتر، رضایت زناشویی بالاتر و بهزیستی بیشتری دارند (هلگسن، رینولدز و تامیچ، ۲۰۰۶) با چالش‌انگیز درک‌کردن موقعیت استرس‌زا و اتخاذ رویکردهای حل مسئله، شایستگی خود را در مقابله با شرایط بحرانی، بالا ارزیابی می‌کنند و به این وسیله توانایی خود را برای موقعیت‌های چالش‌برانگیز افزایش می‌دهند. پژوهشگران دریافته‌اند که خوش‌بینی قادر است رضایت افراد از رابطهٔ عاشقانه بین زوجین را در یک دورهٔ دوساله پیش‌بینی کند. آساد، دونلان و کنگر (۲۰۰۷) دریافتند که افراد خوش‌بین در حل مسائل و مشکلات خود در زندگی زناشویی موفق‌تر عمل می‌کنند، افرادخوش بین سعی می‌کنند تا در رویدادها و پیشایندهای منفی، معنی مثبت را دریابند. در مقابل مسائل و مشکلات حالتی انفعالی به خود نمی‌گیرند و نسبت به یکدیگر نگرش مثبت بیشتری دارند. ازاین‌رو مادرانی که ادراک مثبتی نسبت به توانایی‌های خود دارند، باور دارند که می‌توانند بر مسائل و مشکلات زندگی مشترک فایق آیند و با این حال زندگی را به‌عنوان چالشی برای به ثمررساندن اهداف خود می‌دانند. ازاین‌رو، این ویژگی‌ها، این دیدگاه و این نگرش منجر به این می‌شود که افراد با ادراک مثبت بالا احساس رضایت زناشویی بیشتری را تجربه کنند (جلاس، آزمان، زولنایدی و احمد، ۲۰۱۶).

نتایج آزمون همبستگی نشان داد بین رضایت زناشویی با مؤلفه‌های سازش‌یافتگی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. نتایج به‌دست‌آمده با نتایج پژوهش‌های گریف (۲۰۰۰)، گارمزی (۲۰۱۱) و نف و برودی (۲۰۱۱) همسو و هماهنگ می‌باشد. سازش‌یافتگی به ویژگی شخصیتی اشاره می‌کند که منعکس‌کننده کاردانی شخص به‌طور کلی و انعطاف‌پذیری عملکرد در پاسخ به شرایط محیطی مختلف است. این سازه اغلب در رابطه نزدیک با خودتنظیمی در نظر گرفته می‌شود و نشان‌دهنده توانایی انعطاف‌پذیر فرد در تنظیم سطوح کنترل در شرایط متفاوت و ازاین‌رو مقابله مؤثر و کارآمد در برخورد با عوامل فشارزا و چالش‌ها است. شرط جو عاطفی مناسب، سازش‌پذیری و انسجام در هر خانواده از جمله خانواده‌هایی که کودک با کم‌توانی دارند، وجود ارتباط و تعامل مؤثر بین اعضای خانواده از جمله بین والدین به‌خصوص مادر و کودک است.

نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که به‌طور کلی الگوی ساختاری رضایت زناشویی مادران دارای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه براساس ادراک مثبت و سازش‌یافتگی با میانجی‌گری بخشایش‌گری از برازش مطلوب برخوردار است. براساس نتایج به‌دست‌آمده اثرهای غیرمستقیم متغیرهای ادراک مثبت و سازگاری بر رضایت زناشویی از راه متغیر واسطه‌ای بخشایش‌گری معنادار است نتیجه به‌دست‌آمده با نتایج پژوهش، ورثینگتون، وایت ولیت، پیترینی و میلر (۲۰۱۱)، تویسنت و وب (۲۰۱۵) و نعمتی، میرنسب و غباری (۲۰۱۶) هماهنگ و همسو می‌باشد. دو متغیر ادراک مثبت و سازگاری ۲۳ درصد واریانس رضایت زناشویی را از راه متغیر واسطه‌ای بخشایش‌گری پیش‌بینی می‌کند. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش اهای همخوان می‌باشد. افرادی که از بخشایش‌گری بالایی برخوردارند، از عوارض طولانی‌مدت رنجش، کینه و غضب که ناشی از مسائل پیش‌آمده در زندگی زناشویی است، مصون هستند. از سوی دیگر، این افراد بهتر می‌توانند راهبردهایی را به کار گیرند که موجب سازگاری و بهبود روابط با همسر است و از روش‌های نامطلوب تخلیه هیجانی مانند انتقام‌جویی، بدگویی، افترا و حسد (که همگی موجب به‌هم‌خوردن ارتباط است) فاصله بیشتری دارند. مک لاف (۲۰۱۰) معتقد است که بخشش به فرد کمک می‌کند تا روابط مثبت و حمایت‌کننده‌ای ایجاد کند و زوج‌های جوان نیز همسو با این دیدگاه گزارش می‌کنند که داشتن ظرفیت بخشش به شخصی که خطا در حق او صورت گرفته است، امکان می‌دهد تا از

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-20]

راه هیجان‌های منفی که رابطه را مختل می‌کند و رشد بازنمایی‌های شناختی مثبت از همسر را تشویق کند. مادرانی که در رابطه زناشویی از گذشت و بخشش استفاده می‌کنند، معمولاً نگاه خوش‌بینانه‌تری به آینده رابطه زناشویی دارند. معمولاً این افراد نگرش مثبت‌تری نسبت به توانایی خود داشته و اینکه باور دارند می‌توانند چالش‌ها، استرس و مشکلات زندگی زناشویی را پشت سر بگذارند و این باور خود به منجر به شکل‌گیری قدرت سازش‌یافتگی و انطباق بالاتر با شرایط موجود در آنها می‌شود (تویسنت و وب، ۲۰۱۵).

نتایج این پژوهش و پژوهش‌های گذشته از آموزش‌هایی در جهت کاربرد بیشتر روش‌های آموزشی یا درمانی افزایش‌دهندهٔ رضایت‌مندی زناشویی و بخشایش‌گری مادران کودکان با نیازهای ویژه حمایت می‌کند. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی اشاره کرد. در زمینه پیشنهاد پژوهشی، اگرچه ویژگی‌های بخشایش‌گری به‌خوبی رضایت زناشویی را در بین مادران دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه پیش‌بینی می‌کند، اما سهم عواملی مانند ویژگی‌های شخصیتی، نگرش‌ها، باورهای مذهبی، منبع کنترل و عواملی که به نوعی می‌توانند در فرایند بخشایش‌گری افراد مؤثر باشند، در پژوهش حاضر تعیین نشده است که نیازمند است تا در پژوهش‌های آینده به آن توجه شود تا از این راه بتوان سایر عوامل مؤثر در رضایت زناشویی را نیز در مدل‌پردازی آن مد نظر قرار داد.

پی‌نوشت‌ها

1. Parent perception
2. Adapatibility
3. Forgiveness
4. Kolmogorov-Smirnov’s Test

منابع

زهراکار ک، جعفری ف. (۱۳۹۳) *مفاهیم مشاور خانواده*، تهران: انتشارات ارسباران.

فتحی آشتیانی ع (۱۳۸۸) *آزمون‌های روانشناختی*، تهران: نشر بعثت

.فتحی آشتیانی ع.، داستانی م. (۱۳۹۲) *آزمون‌های روانشناختی ارزیابی* شخصیت و سلامت روان، تهران: نشر بعثت .

به‌پژوه، ا، میرزایی پ، عبدالهی، ع (۱۳۹۹) «نیازسنجی آموزشی و حمایت اجتماعی مادران دارای کودکان با نشانگان داون به‌منظور طراحی برنامه‌ای جامع برای آموزش مادران»، *فصلنامه علمی پژوهشی کودکان استثنایی*، ۲۰(۲): ۷۷-۸۸.

Agu, S.A., & Nwankwo, B.E. (2019). Influence of religious commitment, intentionality in marriage and forgiveness on marital satisfaction among married couples. IFE Psychologia: An International Journal, 27(2), 121-133.

Assad, K.K., Donnellan, M.B., & Conger, R.D. (2007). Optimism: An enduring resource for romantic relationships. Journal of Personality and Social Psychology, 93, 285–297.

Bhide, S., Sciberras, E., Anderson, V., Hazell, P., & Nicholson, J.M. (2019). Association between parenting style and socio-emotional and academic functioning in children with and without ADHD: a community-based study. Journal of Attention Disorders, 23(5), 463-474.

Bostock, S., Crosswell, A.D., Prather, A.A., & Steptoe, A. (2019). Mindfulness on-the-go: Effects of a mindfulness meditation app on work stress and well-being. Journal of Occupational Health Psychology, 24(1), 127-138.

Brown, M., & McCann, E. (2018). Sexuality issues and the voices of adults with intellectual disabilities: A systematic review of the literature. Research in Developmental Disabilities, 74, 124-138.

Carver, C.S., Scheier, M.F., & Segerstrom, S.C. (2010). Optimism. Clinical Psychology Review, 30, 879-889.

Cubbin S, Leaver L, Parry A. (2020). Attention deficit hyperactivity disorder in adults: common in primary care, misdiagnosed, and impairing, but highly responsive to treatment. Br J Gen Pract., Aug 27;70. (698):465-466.

Devine, K.A. Holbein, C.E. Psihogios, A.M. Amaro, C.M. & Holmbeck, G.N. (2011). Individual adjustment, parental functioning and perceived social support in Hispanic and non-Hispanic white mothers and fathers of student with Spina Bifida. Journal of Pediatric Psychology, 8, 1-10.

Downes, N., & Cappe, E. (2021). Coparenting a child on the autism spectrum: A systematic review and call for research. Journal of Child and Family Studies, 1-15.

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-20]

Ekas, N. ., Timmons, L., Pruitt, M., Ghilain, C., & Alessandri, M. (2015). The power of positivity: Predictors of relationship satisfaction for parents of student with autism spectrum disorder. Journal of Autism and Developmental Disorders, 45(7), 1997-2007.

Enright, R. ., & Human Development Study Group. (1991). The moral development of forgiveness. In W. Kurtine & J. Gewirtz (Eds.), Handbook of Moral Behavior and Development, (pp. 123-152). Hillsdale, NJ: Erlbaun.

Enright, R.D., Santos, M.J., & Al-Mabuk, R. (1989). The adolescent as forgiver. Journal of Adolescence, 12(1), 95–110

Fahimdanesh, F., Noferesti, A., & Tavakol, K. (2020). Self-compassion and Forgiveness: Major Predictors of Marital Satisfaction in Young Couples. The American Journal of Family Therapy, 48(3), 221-234

Hallahan, D.P., Kauffman, J.M., & Pullen, P.C. (2011). Exceptional learners. Pearson/Allyn and Bacon

Hartley, S.L., Barker, E.T., Seltzer, M.M., Greenberg, J.S., & Floyd, F.J. (2011). Marital satisfaction and parenting experiences of mothers and fathers of adolescents and adults with autism. American Journal of Intellectual and Developmental Disabilities, 116(1), 81–95.

Hastings, R.P., Beck, A., & Hill, C. (2005). Positive contributions made by student with an intellectual disability in the family: Mothers' and fathers' perceptions. Journal of Intellectual Disabilities, 9(2), 155-165.

Helgeson, V.S., Reynolds, K.A., & Tomich, P.L. (2006). A meta analytic review of benefit finding and growth. Journal of Counseling and Clinical Psychology, 74, 797–816.

Henry, N.J., Berg, C.A., Smith, T.W., & Florsheim, P. (2007). Positive and negative characteristics of marital interaction and their association with marital satisfaction in middle-aged and older couples. Psychology and Aging, 22(3), 428.

Huber, C.H., Navarro, R.L., Womble, M.W., & Mumme, F.L. (2010). Family resilience and midlife marital satisfaction. The Family Journal, 18(2), 136-145.

Garmezy, N. (2011) Resilience and vulnerability to adverse developmental outcomes associate with poverty. American Behavioral Scientist, 34, 416-430

Gefen, D., Straub, D.W., & Boudreau, M. C. (2000). Structural equation modeling and regression: Guidelines for research and practice. Communications of the Association for Information Systems, 3(1).

Greef AP. (2000) .Charactersiecs of families that function well. J Fam Issu. 21(8): 948-963

Gumus, I.G., & Kislak, S.T. (2019). The predictive role of forgiveness and the level of repetitive thinking on mental health and marital adjustment in married individuals. Dusunen Adam, 32(3), 236-245

Gupta, R.K., & Kaur, H. (2010). Stress among parents of student with intellectual disability. Asia Pacific Disability Rehabilitation Journal, 21(2), 118–126.

Jelas, Z.M., Azman, N., Zulnaidi, H., & Ahmad, N.A. (2016). Learning support and academic achievement among Malaysian adolescents: the mediating role of student engagement. Learning Environments Research, 1-20.

Jones, L., Gold, E., Totsika, V., Hastings, R.P., Jones, M., Griffiths, A., & Silverton, S. (2018). A mindfulness parent well-being course: evaluation of outcomes for parents of children with autism and related disabilities recruited through special schools. European Journal of Special Needs Education. 33(1), 16-30.

Kachhap, S., & Mane, K.H. (2019). Concept Mapping for Students with Viual Impairment: Practices and Challenges. Journal of Disability Management and Special Education, JODYS, 2(1), 6-15.

Icekson, T., & Pines, A.M. (2013). Positive perception: A three dimensional model and a scale. Personality and Individual Differences, 54(2), 180-186.

Lickenbrock, D.M., Ekas, N.V., & Whitman, T.L. (2011). Feeling good, feeling bad: Influences of child perceptions and marital adjustment on well-being inmothers of student with an autism spectrum disorder. Journal of Autism and Developmental Disorders, 40, 1274–1284.

McCullough, M.E. (2010). Forgiveness as human strength: Theory, measurement, and links to well-being. Journal of Social and Clinical Psychology, 19(1), 43–55.

McNulty, J.K., & Karney, B.R. (2004). Positive expectations in the early years of marriage: Should couples expect the best or brace for the worst? Journ1al of personality and social psychology, 86(5), 729

Nemati, S., Mirnasab, M., & Ghobari Bonab, B. (2016). The relationship between dimensions of forgiveness with mental health in mothers of children with intellectual and developmental disabilities. Journal of Education and Learning, 5(4), 15-20.

Martinez, I., Garcia, F., Veiga, F., Garcia, O. F., Rodrigues, Y., & Serra, E. (2020). Parenting

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-20]

Styles, Internalization of Values and Self-Esteem: A Cross Cultural Study in Spain, Portugal and Brazil. International Journal of Environmental Research and Public Health, 17(7), 1-18.

Neff, L.A, & Broady, E.F. (2011). Stress resilience in early marriage: can practice make perfect? Journal of Personality and Social Psychology, 101(5), 1050-67.

Olson D.H. (1989). ENRICH Marital Inventory: A Discriminant Validity and Cross-Validity Assessment. Journal Marital and Family Therapy 1989; 15:65-79.

Scorgie, K., & Sobsey, D. (2010). Transformational outcomes associated with parenting children who have disabilities. Mental Retardation, 38, 195-206

Seligman, M. E., & Csikszentmihalyi, M. (2000). Positive psychology: An introduction. The American Psychologist, 55, 5–14

Syrjämäki, M., Pihlaja, P., & Sajaniemi, N.K. (2019). Enhancing Peer Interaction in EarlyChildhood Special Education: Chains of Children's Initiatives, Adults' Responses and Their Consequences in Play. Early Childhood Education Journal, 47(5), 559-570.

Toussaint, L., & Webb, J.R. (2015). Theoretical and empirical connections between forgiveness, mental health, and well-being. Handbook of Forgiveness, 349–362

Vollmann, M., Antoniw, K., Hartung, F.M. & Renner, B. (2011). Social support as mediator of the stress buffering effect of optimism: The importance of differentiating the recipients' and providers' perspective. European Journal of Personality, 25, 146-154.

Worthington, E.L., Witvliet, C.V.O., Pietrini, P., & Miller, A.J. (2007). Forgiveness, health, and well-being: A review of evidence for emotional versus decisional forgiveness, dispositional forgivingness, and reduced unforgiveness. Journal of Behavioral Medicine, 30(4), 291–302.

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-20]

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-20]